

## بررسی فقهی مبادله رشد اقتصادی و عدالت

حجة الاسلام محمدرضا یوسفی<sup>(۱)</sup>

### چکیده

رفاه عمومی مهمترین هدف برنامه‌های اقتصادی جوامع است که با سیاستهای رشد اقتصادی و توزیعی امکان‌پذیر است. اما آیا میان رشد اقتصادی و کاهش فقر در کوتاه‌مدت سازش وجود دارد؟ بحث درباره مناسبت یا ناسازگاری رشد و کاهش فقر از مباحث دامنه‌دار در متون توسعه و اقتصاد امروز ما است. آیا در جریان توسعه کشور برای دستیابی به رشد اقتصادی بیشتر ناگزیر از تحمل نابرابری و فقر بیشتر بخشی از مردمان هستیم و برای تأمین رفاه عمومی بیشتر در آینده باید از وظیفه فقرزدایی در کوتاه‌مدت چشم پوشید؟

می‌توان پرسش را در دو قسمت طرح کرد. نخست اینکه آیا در مقام سیاستگذاری اقتصادی می‌توان پدیده فقر را در کوتاه مدت نادیده گرفت یا الزاماً باید سیاستهای توسعه با جهتگیری رفع فقر طراحی شوند؟ در مرحله دوم و در صورت منفی بودن پاسخ، فوق این نکته طرح می‌شود که آیا می‌توان در سیاستهای اقتصادی به گونه‌ای عمل کرد که هم رشد اقتصادی را به همراه بیاورد و هم بر شمار فقیران یا بر شدت فقر آنان بیفزاید؟

بسیاری از کسانی که در زمینه اقتصاد اسلامی سخن گفته‌اند، عدالت را اصل اساسی در تفکر دینی دانسته، رشد اقتصادی را فقط در چارچوب موازین عدالت - کاهش فقر - خواهانند.

در این نوشتار کوشش شده است تا با استناد به منابع دینی و با پیروی از روش رایج فقهی به بررسی حکم سیاستهایی که به تعداد فقیران یا بر شدت فقر می‌افزاید، پرداخته شود.

معامله‌ناپذیر بودن عدالت در اندیشه دینی، داشتن حق طبیعی حداقل زندگی برای عموم افراد، خدمت اعانه با استفاده از حدیث نبوی «لم یفقرهم فیکفرهم»، و منطبق تعلق فیء به بخش عمومی از جمله ادله مورد بررسی هستند.

۱- عضو هیأت علمی گروه اقتصاد - دانشگاه مفید.

### زمینه بحث

رفاه عمومی مهمترین هدف برنامه‌های اقتصادی است که با تکیه بر سیاستهای رشد اقتصادی قابل حصول است. در راه تحقق این هدف، ویژگیهای رشد اقتصادی دارای اهمیتند، زیرا همراه با رشد اقتصادی، تغییراتی در ابعاد و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی جوامع رخ می‌دهد و از جمله، وضعیت توزیعی جامعه در معرض نوسانات و تغییرات قرار می‌گیرد و در نتیجه حداقل در کوتاه‌مدت می‌توان شاهد تغییراتی در سطح نابرابریها و گستره فقر در جامعه بود.

مناسبت یا ناسازگاری رشد اقتصادی و کاهش میزان فقر در جامعه از مباحث دامن‌دار در متون مربوط به توسعه و اقتصاد امروز است. برخی بر این اعتقادند که در فرایند توسعه کشور و برای دستیابی به نرخهای بالاتر رشد اقتصادی، در کوتاه‌مدت ناگزیر از تحمل نابرابری بیشتر و فقر گسترده‌تر هستیم. در برابر اندیشه یاد شده به نظر می‌رسد رابطه معناداری میان رشد اقتصادی و تجربه کردن سطوح بالاتر نابرابری و فقر وجود ندارد و آنچه اهمیت دارد است ویژگیهای رشد اقتصادی است.<sup>(۱)</sup>

بر اساس اعتقاد به فقدان رابطه معنادار میان رشد و نابرابری و اهمیت داشتن ویژگیهای رشد اقتصادی در تغییرات و نوسانات فقر و نابرابری، دو پرسش از دیدگاه و منظر دینی قابل طرح می‌باشد. نخست اینکه آیا در مقام سیاستگذاری اقتصادی می‌توان پدیده فقر را نادیده گرفت؟ بدین معنا که کاهش فقر به عنوان یک هدف مطرح نباشد و صرفاً سیاستهای رشد اقتصادی دنبال شوند یا اینکه سیاستهای توسعه الزاماً باید با جهت‌گیریهای کاهش فقر همراه باشند و در نتیجه، رشد اقتصادی و کاهش فقر به عنوان

۱- برای تفصیل بیشتر رک به: مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ چاپ ششم، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.

دو هدف در کنار یکدیگر دیده شوند.

دومین پرسش این است که در صورت ضروری نبودن جهتگیری سیاستهای رشد اقتصادی به سمت کاهش فقر در جامعه، آیا سیاستهای اقتصادی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که علاوه بر به همراه آوردن رشد اقتصادی، بر شمار فقیران یا بر شدت فقر آنان بیفزایند؟ یا الزاماً یکی از حداقل ویژگیها و قیود رشد اقتصادی حفظ سطوح نابرابری و فقر گذشته بوده، بر دامنه فقیران افزوده نشود.

در این نوشتار کوشش شده تا با استناد به منابع دینی و حتی الامکان با پیروی از روش رایج فقهی به بررسی حکم سیاستهایی که به گستره فقیران یا بر شدت فقرشان می‌افزاید پرداخته شود.

این نوشتار در سه بخش تنظیم شده است. در نخستین بخش، نظریه‌های متفکران مسلمان در این باره بررسی شده و متون رشد و توزیع در اقتصاد اسلامی مطرح شده است. در دومین بخش دلایلی بررسی می‌گردند که سیاستهای رشدمداری که بر تعداد فقیران یا بر شدت فقر آنان می‌افزایند را جایز نمی‌دانند. در سومین بخش به جمع‌بندی یافته‌های مقاله و نتیجه‌گیری نهایی از مباحث پرداخته می‌شود.

### بخش نخست: مروری بر متون اقتصاد اسلامی درباره اولویت رشد یا توزیع

تمامی مسلمانان بر عدالتخواهی و رفع فقر به عنوان هدف مهم دینی تأکید کرده‌اند. این تفکر مستند به انبوهی از آیات و روایات است.

در تعالیم دینی، هدف ارسال انبیا، قیام به قسط معرفی شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»<sup>(۱)</sup> «همانا پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم، و به آنان کتاب و میزان دادیم تا مردمان بر اساس عدالت زندگی کنند». بنابراین، هدف از تشریح دین، ارسال رسل، انزال کتاب و میزان، و تحقق عدالت در جامعه است. عدالت و رفع فقر هدفی است که

حکومت‌های دینی باید دنبال کنند. اما نکته قابل بررسی این است که آیا می‌توان برای رسیدن عموم مردم به رفاه آن دسته از به سیاست‌های اقتصادی توسل جست که هرچند فقر گروهی از مردمان را نتیجه می‌دهند، در بلندمدت، آنان را از فقر نجات بخشند. بسیاری از نویسندگان معتقدند که اساساً در تفکر دینی، رشد اقتصادی فقط از منظر عدالت خواهی دینی معنا دار است.

سید ابوالاعلی مودودی معتقد است که همراهی عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی، ویژگی بارز و خط مشی اصلی توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام است.<sup>(۱)</sup> محمد عمر چپرا، شوقی احمد دنیا و ابراهیم العسل نیز معتقدند که توسعه اقتصادی مورد تأیید دین، در جوهر و ذات خویش، عدالت اقتصادی را دارا است. از این نظر، اگر تولیدات جامعه افزایش یابد، اما سطح معیشتی شایسته‌ای برای آحاد افراد جامعه تحقق نیابد، از نظر دینی نمی‌توان نتیجه را پیشرفت و توسعه نامید.<sup>(۲)</sup>

محمد شوقی فنجری از چهره‌های برجسته اقتصاد اسلامی تصریح می‌کند که اسلام هرگز ثروت و غنای عده‌ای را با وجود فقر و محرومیت گروهی دیگر امضا نمی‌کند. به اعتقاد وی، تا زمانی که جامعه به سطح و حد کفایت در زندگی دسترسی پیدا نکرده، تفاوت‌های درآمدی مجاز نخواهد بود.<sup>(۳)</sup>

اکرم خان نیز اعتقاد دارد که در اقتصاد اسلامی، تأکیدات اصلی نه بر رشد، بلکه بر عدالت توزیعی است.<sup>(۴)</sup> عریف می‌نویسد: «در چشم‌انداز توسعه اقتصادی از نظر اسلام، توسعه انسانی که زندگی شایسته برای همگان را در بر می‌گیرد در کنار رشد اقتصادی دیده شده است».<sup>(۵)</sup> فریدی می‌گوید: توسعه باید توزیع مجدد منابع را در

۱- احمد خورشید؛ مطالعاتی در اقتصاد اسلامی؛ ترجمه محمد جواد مهدوی؛ مقاله اندیشه اقتصادی مسلمانان، نجات‌الله صدیقی، چاپ اول، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴، ص ۲۶۹.

۲- توفی احمدنیا؛ الاسلام و التنمية الاقتصادية، الطبعة الاولى. الكويت: دارالفکر العربی، ۱۹۷۹، صص ۲۸۴-۲۸۸.

۳- محمد شوقی فنجری، الاسلام و عدالة التوزيع، از مجموعه ندوة الاقتصاد اسلامی.

4. Akram Khan, "Economic Growth And Development in Islam 1985, P. 85.

5. Arif, "An Introduction to The Islamic Development Paradigm" 1987, P. 84.

برداشته باشد. راهبرد مورد انتظار تکیه بر مصرف، توزیع و توسعه است.<sup>(۱)</sup> اما جالبترین گفتار به چهره شاخص متون اقتصاد اسلامی، شهید یعنی آیه الله سید محمد باقر صدر تعلق دارد. وی معتقد است که اسلام به رفع فقر توجه ویژه کرده است. از دیدگاه شهید صدر گرچه یکی از اهداف اقتصادی، رشد اقتصادی و افزایش درآمد سرانه جامعه است، اما رشد اقتصادی هدف نهایی و اصیل محسوب شده است. رشد اقتصادی ابزار و طریقی برای رفاه عمومی آحاد افراد جامعه است و لذا در چارچوب تفکر توزیعی دین معنادار است.

شهید صدر با اشاره به نامه امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر که در آن، برنامه‌های حاکم اسلامی تبیین شده است، بیان می‌دارد که گرچه رشد اقتصادی هدفی از اهداف جامعه متقین است، اما آنچه اهمیت بیشتر دارد، تأثیر رشد اقتصادی بر زندگی مردم است. رشد اقتصادی به مقدار و میزانی هدف اقتصادی است که بتواند در زندگی مردم تجلی پیدا کند.

سپس وی به نکته‌ای زیبا اشاره می‌کند که اگر جامعه، امکانات خویش را در خدمت رشد اقتصادی قرار دهد و از جنبه توزیعی آن غافل شود، رشد اقتصادی به صورت یک بت مورد تقدیس قرار می‌گیرد و هدف نهایی محسوب می‌گردد، در حالی که دین رشد اقتصادی را صرفاً ابزاری برای تحقق بخشیدن به اهداف عالی می‌داند.

شهید صدر به دلیل تفکر یاد شده معتقد است که اگر اسلام در زمان تحول صنعتی غرب زمام امور را به دست داشت، هرگز اجازه فعالیت به صنایع واحد تکنولوژی بالا را که منجر به بیکاری صاحبان مشاغل در صنایع دستی می‌شد نمی‌داد، مگر اینکه در ابتدا برای حل مشکلات این گروه فکر می‌شد.

ایشان با تأکید بر اینکه اسلام برای عدالت اولویت قائل است نتیجه می‌گیرد که سیاستهای رشد اقتصادی تا وقتی برای عدالت اجتماعی ایجاد خطر نکنند مورد قبولند. لذا متذکر می‌شود که احیای اراضی در زمانهای قدیم که ابزارهای ساده کاربرد داشت،

1. Faridi, Public Budgeting, Capital Accumulation And Economic Growth in An Islamic Framework," 1983. P, 84.

آزاد بود، زیرا با به کارگیری آن ابزارها امکان تصاحب اراضی بسیار و برهم زدن نظام توزیعی و عدالت اقتصادی وجود نداشت، اما امروزه که تکنولوژی پیچیده شکل گرفته نمی‌توان آزادی در احیای اراضی را اجازه داد، زیرا عدالت توزیعی در جامعه خدشه‌دار خواهد شد.

با توجه به نکات یاد شده، شهید صدر عمقاً به رشد اقتصادی با ویژگی عدالت‌خواهانه‌اش معتقد است. وی بر رشد اقتصادی که فقر و نابرابری را در جامعه دامن می‌زند خط بطلان می‌کشد.<sup>(۱)</sup>

در نتیجه، در متون موجود راجع به اقتصاد اسلامی، کسانی که بحث درباره پدیده‌های رشد و توزیع را طرح کرده‌اند، خط بطلانی بر رشد منهای کاهش فقر کشیده‌اند و رشد را در چارچوب عدالت توزیعی تایید می‌کنند. در میان نویسندگان، فقط ابراهیم دسوقی اباضه است که بر خلاف جریان عمومی یاد شده می‌اندیشد. وی در سمیناری که به سال ۱۹۷۲ در مکه معظمه برگزار شد در مقاله‌ای کوتاه به تبیین این اندیشه پرداخت که گرچه اسلام به عدالت توجه ویژه دارد، اما وضعیت امروزی مسلمانان در جهان اقتضا می‌کند که به تلاش هرچه بیشتر برای افزایش تولید اولویت داده شود و هنگامی می‌توان به توزیع و رفع فقر اندیشید که ثمره این تلاشها به باز نشسته باشد. در واقع از نظر اباضه نگاه دین به عدالت آینده‌نگر و همچون هدفی است که در فرایند توسعه باید به آن نگاه کرد.<sup>(۲)</sup> می‌توان سخنان اباضه را در دو نکته به شکل زیر خلاصه کرد:

(۱) عدالت‌خواهی اسلامی به یک هدف بلندمدت است.

(۲) به دلیل وضعیت خاص جوامع مسلمان، رشد اقتصادی در اولویت قرار دارد. ادعای نخست اباضه در بخش دوم این نوشتار بررسی خواهد شد. اما در مورد ادعای دوم ایشان به اختصار می‌توان گفت که تجارب کشورهای مختلف در فرایند توسعه نشان می‌دهد که میان رشد اقتصادی و نابرابری و فقر رابطه معناداری وجود

۱- سید محمدباقر صدر؛ اقتصادنا؛ جانب اول، دفتر تبلیغات اسلامی؛ ۱۳۷۵، صص ۶۴۳-۶۳۸.

۲- احمد خورشید، همان، ص ۳۰۹.

ندارد. برخی از کشورها از قبیل برزیل و مالزی با وجود نرخهای بالای رشد اقتصادی، نابرابری درآمدی زیاد دارند و برخی دیگر از قبیل تایوان، مجارستان، لهستان دچار نابرابری کمتر هستند.<sup>(۱)</sup> لذا نمی‌توان به دلیل عقب‌ماندگی این کشورها، صرفاً سیاستهای رشد مدار را بدون ویژگی و نقش فقر مؤثر دانست.

رشد و عدالت توزیعی را باید در کنار هم دید. ترکیبی خردمندانه از رشد و توزیع در هر مرحله از فرایند توسعه تعیین‌کننده است. میسرا در این باره می‌نویسد: «از زمان مباحثه بی‌ثمر راجع به اینکه از میان محصول ناخالص داخلی و نیازهای اساسی کدام باید در اولویت قرار گیرد، به سر آمده است. شیوه صحیح این است که هر دو مورد توجه قرار گیرد. نیازی نیست که بر هر دو به یک اندازه تأکید شود».<sup>(۲)</sup> به دلایلی چند داشتن نگاهی همه‌جانبه در برنامه‌ریزی توسعه ضروری است که در این مختصر مجال تبیین آنها نیست.<sup>(۳)</sup>

### بخش دوم: بررسی جواز دینی سیاستهای رشد مدار فقرزا

دلایل جواز یا عدم جواز شرعی اتخاذ سیاستهای رشد مداری که موجب فقرگروری از مردم می‌شود یا فقرشان را شدت می‌بخشد، در این بخش بررسی خواهد شد. جدا از مباحث روزمره اقتصادی، این پرسش دارای اهمیت است که آیا شرعاً می‌توان آن سیاستهایی که رشد اقتصادی را به بهای گسترش گروههای زیر خط فقر یا تعمیق فقر آنان به ارمغان می‌آورند، تجویز کرد؟ پاسخگویی به این سؤال مهم نیازمند بررسی و بیان ادله مربوط است. در اینجا به بررسی دلایل معامله‌ناپذیر بودن عدالت، داشتن حق طبیعی حداقل زندگی برای عموم افراد، حرمت فقیر کردن دیگران، و حرمت اعانه بر اثم خواهیم پرداخت.

1. E.Wayne Vafziger, "The Economics of Developing Countries, Third Edition. 1997. P. 145.

۲- رامش پراوادا میسرا: «برداشتی نو از مسائل توسعه، ترجمه حمید فراهانی راد، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، ش ۴۶، ص ۱۱.

۳- در این خصوص رجوع کنید به: محمدرضا یوسفی: بررسی سیاستهای توزیعی در برنامه‌های عمرانی کشور؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۶.

### دلیل اول: معامله‌ناپذیر بودن عدالت

این دلیل مشتمل بر دو بند است. بند نخست به معامله‌ناپذیر بودن عدالت در تفکر دینی مربوط است. و در بند دوم یکی از مهمترین مشخصه‌های عدالت یعنی فقدان فقر در جامعه بررسی می‌شود. با کنار هم قرار گرفتن دو بند یاد شده این نتیجه گرفته می‌شود که چون عدالت در هیچ شرایطی معامله‌پذیر نیست و فقدان فقر در جامعه یکی از مشخصه‌های این اصل مسلم است، لذا در هیچ شرایطی نمی‌توان رشد اقتصادی را به هزینه فقر گروهی از مردم تجویز کرد.

با مراجعه به متون و منابع دینی مسلم می‌شود که عدالت، اصلی ثابت و معامله‌ناپذیر در تفکر اسلامی است که در هیچ شرایطی نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا از آن جدا شد. بر همین اساس رفتار مطابق با عدل یک وظیفه همگانی است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا آیه‌ها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط»<sup>(۱)</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید.

قسط به معنای عدالت است و «قوام» به کسی گفته می‌شود که عادت بر قیام دارد. از این رو «کونوا قوامین بالقسط» به این معنا است که عادت و روش زندگی شما باید قیام به عدالت در گفتار و عمل باشد.<sup>(۲)</sup>

علامه طباطبایی نیز در ذیل این آیه شریفه می‌گوید: مراد، عمل به عدالت و استمرار آن و اجرای عدالت به کاملترین صورت ممکن و عدم انعطاف و عدول از آن است.<sup>(۳)</sup> بر اساس این آیه شریفه، اجرای عدالت در همه لحظه‌ها وظیفه عمومی مسلمانان و مؤمنان است. هنگامی که وظیفه آحاد مسلمانان رفتار عادلانه در همه لحظه‌ها است، دولت دینی در رفتار مطابق با عدل باید پیشگام باشد.

به همین دلیل محققان و اندیشمندان مسلمان در معامله‌ناپذیر بودن عدالت تردید روا نداشته‌اند.

با مراجعه به متون دینی می‌توان به روشنی دریافت که فقدان فقر از لوازم ضروری

۱- سوره نساء، آیه ۱۳۵.

۲- فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع‌البیان؛ ج ۳؛ مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه، ص ۱۲۳.

۳- سیدمحمد حسن طباطبایی؛ المیزان، ج ۵؛ قم؛ انتشارات اسماعیلیان، ص ۱۰۸.



تحقق عدالت در جامعه است. در روایتی از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده: «لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَاسْتَعْنُوا»<sup>(۱)</sup> اگر عدالت در جامعه اجرا شود مردم بی نیاز و غنی می شوند. روایت را مرحوم کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از حماد بن عیسی از بعضی از اصحاب ما (شیعه) نقل می کند. از آنجا که حماد بن عیسی از اصحاب اجماع است، بنابر اعتبار اصحاب اجماع، روایت نیز معتبر می شود. اما گروهی از فقهای معتقد به این مطلب نیستند و لذا در نزد آنان روایت فاقد اعتبار کافی است.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) نقل شده است که: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْتُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ»<sup>(۲)</sup>: همانا اگر عدالت در میان مردم اجرا شود آنان بی نیاز و غنی می شوند. این روایت را مرحوم کلینی از عده ای از اصحاب و آنان نیز از سهل بن زیاد از احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی از ابن ابی یعفور نقل می کند. سهل بن زیاد تنها فرد مورد بحث در سند روایت است. احمد بن محمد بن عیسی که بزرگ راویان قم در زمان خویش بوده وی را به غلو و کذب متهم کرده و سپس او را از قم به ری تبعید کرده است. همچنین ابن ولید، صدوق، ابن نوح، نجاشی، ابن غضائری، و شیخ طوسی در برخی موارد، وی را تضعیف کرده اند.<sup>(۳)</sup> اما مشهور قدما به روایت وی خصوصاً در مواردی که معارض نداشته باشد عمل می کنند. از آنجا که روایات وی معمولاً فاقد اضطراب در متن است و در مواقع متعدد به عنوان وجه الجمع اخبار متعارض آمده، اعتماد مشهور به روایات او نشان از وثوق به وی دارد. احتمالاً منشأ همه این تضعیفها، اولاً برخورد احمد بن محمد بن عیسی نسبت به سهل بوده است و ثانیاً اینکه در روایات ایشان سخن از مباحث کلامی به میان آمده و اختلاف مشربها منجر به تضعیف او از سوی برخی از اصحاب شده است. اما احمد بن محمد بن عیسی که وجیه و رئیس راویان قمی بوده، مدتی از حسن بن محبوب نقل روایت نمی کرده و وی را تضعیف می کرد و همین طور از عبدالله

۱- محمد بن یعقوب کلینی؛ اصول کافی، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ص

۴۹۵

۲- محمد بن یعقوب کلینی؛ فروع کافی، ج ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰، ص ۵۶۸.

۳- سید ابوالقاسم خوبی، معجم رجال الحدیث؛ الطبعة الرابعة، ج ۸، بیروت: منشورات مدینة العلم، ۱۹۸۹، صص ۳۳۷-۳۴۰.

بن مغیره، حسن بن خرزاد، بنان بن محمد بن عیسی نیز نقل روایت نمی‌کرد.<sup>(۱)</sup> به علاوه احمد بن محمد بن عیسی سهل را متهم به غلو کرده است، در حالی که روایت سهل در کافی نشانگر استقامت فکری ایشان است. بنابراین می‌توان حداقل در مواردی که روایات سهل معارضی ندارد به روایات او عمل کرد. با کنار هم قرار دادن دو بند دلیل اول می‌توان نتیجه گرفت که اولاً عدالت، اصلی خدشه‌ناپذیر و معامله‌ناپذیر در تفکر اسلامی است و ثانیاً به حسب روایت، مصداق و مشخصه وجود عدالت در جامعه، فقدان فقر در آن است. لذا سیاستهای اقتصادی باید در مسیر تحقق جامعه منهای فقر باشند. و این امر به حسب مفاد آیه در همه شرایط اعم از کوتاه مدت و بلندمدت باید مورد نظر باشد. نتیجه این تلقی، لزوم اتخاذ سیاستهای مبارزه با فقر است و لذا به طریق اولی می‌توان درک کرد سیاستهایی که منجر به فقر می‌شوند و سیاستهای ظالمانه‌اند و ظلم نیز به حکم عقل، قبیح و به حکم نقل، حرام است.

### دلیل دوم: حق طبیعی داشتن حداقل زندگی برای عموم افراد

انسانها دارای حقوقی مانند حق ارث، حق قصاص، حق سبق، حق تحجیر و غیره‌اند و کسی نمی‌تواند آنان را از حقوقشان محروم سازد. یکی از حقوق انسانی، حق طبیعی عموم افراد جامعه در داشتن حداقلهای لازم برای یک زندگی شرافتمندانه است. به همین منظور روایات زکات هدف از تشریح این واجب مالی را رسانیدن فقیران به حد غنا و بی‌نیازی معرفی کرده‌اند.<sup>(۲)</sup> بر این اساس، دولت اسلامی نه فقط موظف به تأمین این حق برای فقیران است، بلکه حق ندارد آنان را از این حق محروم کند. لذا اگر سیاستی باعث گردد که افراد بالای خط فقر به زیر خط فقر فرو افتند یا افرادی که زیر خط فقر قرار دارند فاصله‌شان از خط فقر بیشتر شود، بدین معنا است که گروه اول از حقوق طبیعی‌شان محروم شده‌اند و دسترسی به حقوق طبیعی گروه دوم نیز مشکلتر گردیده است.

۱- همان، ج ۲، صص ۲۹۵-۳۰۰.

۲- محمد بن حسن حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ باب اول از ابواب الزکاة، طبع ششم، ج ۶، مکتبه‌الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

همان طور که نمی‌توان فرد را از حقوق ثابت شده نزد شرع محروم کرد، وی را نمی‌توان به فقر کشانید، مگر اینکه با توجه به آیه شریفه «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»<sup>(۱)</sup> (پیامبر نسبت به مومنان از خودشان سزاوارتر است) بگوییم در مواردی که مؤمن نسبت به خویش ولایت دارد - که آن نیز در امور غیرالزامی است - ولایت نبی بر وی اقوا است و لذا در حقوق یادشده نیز ولایت نبی و حاکم شرعی مقدم است.

### دلیل سوم: روایت نبوی

از امام صادق (ع) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) در آخرین خطبه‌ای که بر فراز منبر قرائت کردند، والیان و زمامداران مسلمانان پس از خویش را به فرامینی توصیه کردند که از جمله فقرات آن روایت شریف موارد زیر است:

«وَلَمْ يُفْقِرْهُمْ فَيَكْفُرْهُمْ»<sup>(۲)</sup>: زمامداران امت مسلمان دست به سیاستهایی نزنند که جامعه دچار فقر شود، زیرا فقر، آنان را به کفر می‌کشاند.

مرحوم کلینی این روایت را از عده‌ای از اصحاب آنان نیز احمد بن محمد، و از عبدالرحمن بن حماد و غیر او از حنان بن سدید صیرفی از امام صادق (ع) نقل می‌کند. در این سند فقط عبدالرحمن بن حماد جای بحث دارد و اگر چه فاقد توثیق خاص است اما ضعف وی نیز ثابت نشده است با این حال قرائنی وجود دارد که می‌توان نسبت به روایت وی وثوق پیدا کرد: اولاً صاحب کتاب است، ثانیاً در سند کامل الزیارات قرار دارد،<sup>(۳)</sup> ثالثاً روایات زیادی از وی نقل شده و لذا با کثرت روایت، ایشان از مشاهیری می‌شوند که قدح و تضعیفی بر او وارد نشده است. بر اساس قرائن یاد شده می‌توان به روایات وی اعتماد کرد.

این روایت زمامداران مسلمان را از اتخاذ روشی که منجر به فقر مردم شود نهی می‌کند. بر این اساس، سیاستهای رشدمداری که به فقر گروهی از مردم منجر شود به دلیل تأثیرات منفی اعتقادی و اخلاقی مورد تأیید پیامبر اسلام نیست.

۱- سوره احزاب، آیه ۶.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی؛ ج ۲، ص ۲۶۳.

۳- سید ابوالقاسم خویی؛ همان؛ ج ۹، صص ۲۹۳ و ۳۲۲.

از لحاظ دلالت شاید این خدشه وارد باشد که مراد از روایت نبوی، سیاستها و روشهایی است که فقر عمومی را به دنبال دارد، در حالی که در تفکر اولویت رشد نتیجه سیاستها فقر عمومی نیست، بلکه گروههایی از مردمان به زیر خط فقر می‌روند و گروههایی نیز در وضعیت شدیدتری از فقر قرار می‌گیرند و به هر حال نتیجه ممکن است فقر عمومی نباشد. لذا در صورتی که نتیجه چنین سیاستهایی فقر عمومی نباشد، مشمول دلالت روایت نبوی نخواهد شد.

#### دلیل چهارم: حرمت اعانه اثم (یاری بر معصیت)

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ...»<sup>(۱)</sup>: در راه گناه و تعدی همکاری نکنید.

ظهور آیه شریفه این است که اعانه بر اثم حرام است. محقق نایینی می‌فرماید: پس از صدق اعانه بر اثم و یاری بر معصیت، حرمت آن قابل تخصیص نیست.<sup>(۲)</sup>

گفته شده است که فقر موجبات بسیاری از جرائم و گناهان را فراهم می‌کند. بررسی آمار، ارتباط مثبت میان جرم و جنایت از یک سو و پدیده فقر را از سوی دیگر به خوبی نشان می‌دهد. گرچه سخن یاد شده به معنای علیت تامه فقر برای جرائم نیست، اما فقر از زمینه‌ها و سببهای قوی بسیاری از مصیبت‌های اجتماعی و گناهان به شمار می‌رود. روایات بسیاری نیز نکته یاد شده را تأیید می‌کنند.<sup>(۳)</sup> بنابراین گرچه به طور موردی هرگز نمی‌توان نتیجه گرفت که هر کس به دام فقر بیفتد به ناچار به جرم و جنایت کشیده می‌شود، زیرا چه بسیار خانوارهای عفیف و محترمی که در بدترین شرایط زندگی، کرامت انسانی خویش را حفظ کرده حاضر نمی‌شوند گوهر انسانی خویش را به متاع دنیا بفروشند، ما از دیدگاه آمار، رابطه معناداری میان جرائم و پدیده فقر وجود دارد.

۱- سوره مائده، آیه ۲.

۲- میرزا محمدحسین نائینی. منیة الطالب. مقرر موسی خوانساری. ج ۱، ج ۱، مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۱۸ ق، ص ۳۶.

۳- محمدرضا، محمد و علی حکیمی؛ الحیاة، ج ۴، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶، صص ۴۹۲-۲۷۸.

با توجه به رابطه مثبت بین فقر، جرم و گناه، نتیجه گرفته شده که اگر سیاستی موجبات فقر را فراهم آورد در واقع زمینه ساز گناه شده است. بنابراین یاری بر معصیت (اعانه بر اثم) صورت پذیرفته و از آنجا که اعانه بر اثم حرام است، اجرای این گونه سیاستها نیز حرام خواهد بود.

بررسی ادعای فوق نیازمند تبیین یاری بر معصیت و شروط صدق این مفهوم است. آنچه در صدق اعانه بر اثم اهمیت دارد، صحت استناد به آن در نزد عرف است؛ یعنی عرف باید معتقد باشد که وی در تحقق گناه نقش داشته است. برای صدق اعانه بر اثم مواردی ذکر شده که موارد زیر از آن موارد است:

گاهی شخصی قصد یاری بر معصیت را دارد و گناه نیز محقق شده و گاه اگر چه قصد تحقق معصیت و گناه را ندارد، اما فعل و رفتار وی به گونه ای است که در نزد عرف ملازم با قصد به حساب می آید. مانند اینکه یک فرد ظالم و دارای قدرت نسبت به فردی عصبانی شده و در همان زمان شخصی به دست وی شلاق دهد. در این صورت، رفتار و فعل آن شخص ملازم با قصد محسوب می شود گرچه واقعاً قصد شلاق خوردن فرد مظلوم را نیز نداشته باشد؛ یا شخصی انگور را به کسی می فروشد که می داند قطعاً وی با آن شراب درست می کند که در این صورت نیز یاری بر معصیت صدق می کند.

ویژگیهای موارد یاد شده را می توان در تحقق گناه و معصیت و دیگری اینکه فعل شخصی معین و یاری رساننده آخرین حلقه متصل به گناه (جزء اخیر علت)، ذکر نمود. گاهی گرچه فعل و رفتار شخص، آخرین حلقه تکمیلی گناه نیست. اما رفتار وی چنان نقش مهمی دارد که عرف جامعه نمی تواند نقش این یاری را در تحقق گناه نیند. مثلاً وقتی انبوهی از جوانان بیکار به جرم و جنایت روی می آورند، عرف مردم گرچه آنها را به دلیل رفتار اختیاری ملامت می کند، اما دولت را به دلیل سیاستهای سوء که موجبات رو آوردن این گروه به سمت امور خلاف شده است مقصر می داند. یا با فرض حرمت مصرف مواد مخدر ولو به حکم ثانوی، درآمد کسانی که به قاچاق این مواد مبادرت می ورزند - با توجه به اینکه مصرف این مواد حرام است و مانند خمر و گوشت خوک فاقد مالیتند - «اکل مال به باطل» است و اما از سوی دیگر وارد کردن این مواد و

رسانیدنشان به مصرف‌کنندگان، اعانه بر اثم نیز محسوب می‌شود. سخن فوق در مورد برنامه‌هایی که منجر به فقر شده و نتیجه گسترش فقر در جامعه، فحشا و منکر است. جنایات و جرایم و... گسترش می‌یابند، عرف جامعه و مردم این سیاستها را در تحقق جرایم و جنایات سبب قوی بر شمرده، دارای نقش موثر می‌دانند. اگرچه آخرین حلقه تحقق گناه هم نباشد نتیجه سخن این است اولاً یاری بر معصیت (اعانه بر اثم) حرام است. ثانیاً معیار صدق یاری بر معصیت، صحت استناد معصیت بر شخص است از این جهت حتماً لازم نیست که فرد قصد اعانه بر حرام داشته باشد و یا فعل وی آخرین حلقه متصل بر گناه باشد و یا لازم نیست که حتماً در امور فردی باشد. لذا اگر گناه صورت پذیرد و فعل معین سبب قوی باشد اگر چه آخرین حلقه تحقق گناه هم نباشد در نزد عرف صحت استناد پیدا می‌کند کار معین مصداق اعانه بر اثم خواهد بود و اعانه بر اثم نیز حرام است.

### بخش سوم: یافته‌ها و نتایج

بررسی تجارب توسعه نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان رشد و نابرابری وجود ندارد. با این وصف گروهی معتقدند که برای دستیابی به نرخهای بالاتر رشد اقتصادی و تحقق رفاه عمومی در کوتاه مدت باید نرخهای بالاتر نابرابری را تجربه کرد. از نگاه دینی نکته فوق را می‌توان به این صورت مطرح ساخت که آیا می‌توان سیاستهای اقتصادی را به گونه‌ای طراحی کرد که گرچه رشد اقتصادی را به همراه آورد اما بر شمار فقیران یا بر شدت فقرشان بیفزاید؟ نویسندگان اقتصاد اسلامی عموماً بر این اعتقادند که از نظر اسلام، رشد اقتصادی در چارچوب عدالت اقتصادی معنادار است. صرف نظر از دیدگاه یاد شده، در این نوشتار ادله دینی بررسی شده‌اند که از چهار دلیل مورد بررسی، دو دلیل توانایی اثبات مطلب را داشتند. دلیل نخست مرکب از دو بند بود بند اول به اصل کلی معامله‌ناپذیر بودن عدالت در تفکر دینی اشاره داشت و بند دوم به تبیین مصداق و مشخصه عدالت یعنی فقدان فقر در جامعه پرداخت و از پیوست این دو بند این نتیجه حاصل شد که دولت موظف به اعمال سیاستهایی است که به کاهش فقر در جامعه

بینجامد و به طریق اولی نمی‌تواند سیاستهایی را اتخاذ کند که بر گستره فقر بیفزاید. دلیل دوم حرمت یاری بر معصیت (اعانه بر اثم) بود. از آنجا که سیاستهای اقتصادی که به گسترانیدن دامنه فقر می‌انجامند در واقع سبب قوی در پدیداری فقر هستند و از سوی دیگر فقر و جرم نیز پیوندی وثیق دارند، لذا آن سیاستهای اقتصادی که به شیوع جرم و گناه دامن می‌زنند، از نظر عرف، مصداق اعانه بر اثم به شمار می‌روند. در نتیجه به استناد دو دلیل منتخب می‌توان به عدم جواز اتخاذ سیاستهایی که همراه با رشد اقتصادی، دامنه فقر را در جامعه می‌گسترانند، نظر داد.

### فهرست منابع و مآخذ

#### الف - منابع فارسی

- ۱- العسل ابراهیم؛ التنمية فی الاسلام.
- ۲- پراوادمیسرا، رامش؛ «برداشتی نو از مسائل توسعه»، ترجمه حمید فراهانی راد، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی؛ ش ۴۶، سازمان برنامه و بودجه.
- ۳- تودارو، مایکل؛ توسعه اقتصادی در جهان سوم؛ ترجمه غلامعلی فرجادی؛ چاپ ششم؛ مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.
- ۴- چیرا، محمد عمر؛ منبع شماره سوم؛ مقاله «دولت رفاه اسلامی و نقش آن در اقتصاد»
- ۵- حکیمی، محمدرضا، محمد و علی؛ الحیاة؛ ج ۴، دفتر نشر فرهنگ اسلامی؛ ۱۳۷۶.
- ۶- خورشید احمد؛ مطالعاتی در اقتصاد اسلامی؛ ترجمه محمد جواد مهدوی؛ مقاله اندیشه اقتصادی مسلمانان؛ نجات... صدیقی، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- ۷- خوبی، سید ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث؛ ج ۸، الطبعة الرابعة، بیروت: منشورات مدینة العلم.
- ۸- شوقی، احمدنیا؛ الاسلام و التنمية الاقتصادية؛ الطبعة الاولى؛ الكويت: دارالفکر العربی، ۱۹۷۹.
- ۹- شوقی، فنجری محمد؛ الاسلام و عدالة التوزیع؛ از مجموعه ندوة الاقتصاد اسلامی.
- ۱۰- صدر، سید محمد باقر؛ اقتصاد نا، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

- ۱۱- طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان؛ ج ۵، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ ج ۳، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- ۱۳- عاملی، محمدبن حسن حر، وسایل الشیعه؛ باب اول از ابواب زکاة؛ ج ۶، طبع ششم، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۴- کلینی محمدبن یعقوب؛ اصول کافی؛ ترجمه سید جواد مصطفوی؛ ج ۲، تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۱۵- کلینی، محمدبن یعقوب؛ فروع کافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۰.
- ۱۶- نائینی، میرزا محمدحسین؛ منیه الطالب؛ مقرر موسی خوانساری، جلد اول، چاپ اول، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
- ۱۷- یوسفی، محمدرضا؛ بررسی سیاستهای توزیعی در برنامه‌های عمرانی کشور؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۶.

#### ب - منابع انگلیسی

- 1- Arif; "an introduction to the Islamic Development paradigm" 1987.
- 2- Faridi, "public Budgeting, capital Accumulation and Economic growth in an Islamic framework" 1983.
- 3- Khan Akram, "Economic growth and Development in Islam 1985.
- 4- Muhammad Akram khram khan, "Islamic Economics, Annotated source in English and urdu. Vol2. The Islamic foundation, 1991.
- 5- WAYNE VAFZIGER E., "The Economics of Developing Countries, Thrid Edition, 1997.